

گفت وگو با حمید عجمی، هنرمند خوش نویس و مبدع خط معلی در کشور

خط معلی از یک «علی» آغاز شد

ابداع، درگیر یک نزول الهی و یک بارقه و جذبه آسمانی می شود که هنرمند را تسخیر می کند. بسیاری از استادانی که خطی را ابداع کرده اند، هیچ گاه اراده قبلی برای خلق کار جدید نداشتند، بلکه درگیر احوالات باطنی خاصی شدند. ابداع در خوش نویسی سنتی به هیچ وجه زمینی نیست، امدادش را از آسمان می گیرد و ما فقط باید باطننا خود را تصفیه کنیم تا قابل فیض الهی باشیم.

- ابداع نیازمند سلوک باطنی است

عجمی بر این باور است که ابداع نیازمند سلوک باطنی است. انسان باید درون و باطن خود را قابل سازد تا پذیرای نزول معنا از آسمان باشد.

او مکاتب غربی را در تقابل با این نگاه می داند و می گوید: مکاتب غربی معمولاً حاصل ممارست، اراده خودآگاه هنرمند و تجارب تاریخی گذشته شان هستند، اما در حوزه هنر سنتی ما این گونه نیست. هنرمند نه به گذشته کار دارد و نه با عقل و اراده صرف می تواند دست به ابداع بزند. این هنرمند برجسته در مثالی برای روشن تر شدن مفهوم ابداع بیان می کند: اگر بخواهیم برای ابداع یک شبیه سازی روشن بیاوریم، باید بگوییم ابداع چیزی شبیه عاشقی است. هیچ کس نمی تواند بگوید من امروز ساعت چهار بعدازظهر تصمیم دارم عاشق شوم. این حرف بیهوده ای است. آدم ها روزی برای کاری بیرون می روند، دنبال چیزی هستند و ناگهان با کسی روبه رو می شوند که تمام هستی شان را درگروگن می کند. از آن لحظه به بعد، خواب، خوراک و زندگی شان تغییر در خوش نویسی سنتی بیشتر شبیه تسخیر شدن عاشقی است که به اختیار خود، تسلیم جبر معشوق می شود. پیدایش خط معلی ریشه در همین احوال دارد.

- تفاوت خط و خوش نویسی در ادیان

عجمی با اشاره به سیر تاریخی خط و ظهور اسلام می گوید: برای درک بهتر جایگاه خوش نویسی، باید میان خط و خوش نویسی تفاوت قائل شویم؛ مثلاً در تاریخ یهودیت، خط وجود داشت و هر سال تورات را با خطی زیبا می نوشتند. یا در مسیحیت، شامل نگاری عیسی مسیح^(ع) مطرح بود؛ چرا که در یهودیت معجزه در عصای موسی بود و در مسیحیت معجزه، خود شخص مسیح بود، اما در اسلام، معجزه دیگر در قالب یک جسم یا شخص ظاهر نمی شود، بلکه در کلام و در متن قرآن کریم تجلی پیدا می کند. او در ادامه توضیح می دهد: از همین جاست که پدیده ای به نام خوش نویسی متولد می شود، یعنی عشق و دلدادگی انسان هانسبت به کلام الهی. از دوران صدر اسلام به بعد، شاهد هنر خوش نویسی هستیم که از خط کوفی آغاز می شود، سپس به این مقله و این بواب می رسد، صاحب اقلام سته و خطوط گوناگون ثلث، نسخ، توقع و رقاع می شود.تا به نستعلیق (عروس خطوط اسلامی)، شکسته و سرانجام به خط معلی می رسد. عجمی با اشاره به مبانی معرفتی این هنر می افزاید: وقتی معجزه در کلام رخ می دهد، پای متکلمی به میان می آید که این ساحت سنگین را معنا می بخشد. ما حضرت علی^(ع) را مظهر تام باطن نبی و محمد ناطق می شناسیم؛ متکلم حقیقی اوست. خوش نویسی و تمام سلسله های معنوی و هنری، همه به وجود مبارک حضرت علی^(ع) ختم می شوند.

او بیان می کند: این سخن، اشاره به شخص تاریخی علی بن ابی طالب^(ع) نیست، بلکه سخن از علی به عنوان مظهر حقیقت، عدالت و قنوت در جهان هستی است که هیچ گاه پایان نمی پذیرد. هر جا بارقه الهی و حقیقتی در هنر متجلی شود، یقیناً ریشه در این حقیقت باطنی دارد.

جایی که خاطره هنوز ایستاده است

نوشتاری بر عکس «محمد باقری نژاد» درباره عکاسی از مکان هایی که با خاطره آمیخته اند



اما سبک عکاسی «محمد باقری نژاد» بیشتر شبیه عکس های پروژه Dear Photograph (عزیزترین عکس) است. این پروژه خلاقانه و جهانی در دنیای عکاسی توسط هنرمند کانادایی، تیلور جونز (Taylor Jones) در سال ۲۰۱۱ آغاز شد. ایده اصلی پروژه این است که عکاس، یک عکس قدیمی را در همان مکان واقعی که سال ها پیش گرفته شده است، نگه دارد و دوباره از آن صحنه عکس برداری کند. در عکس های این پروژه، دست شخص عکاس که عکس قدیمی را نگه داشته در پس زمینه دقیق همان مکان امروزی دیده می شود و تضاد و پیوند زیبایی بین گذشته و حال ایجاد می کند. اما در عکس «محمد باقری نژاد» مکان واقعی عکس، احتمالاً تخریب شده و از بین رفته است. تخریب عکس ترکیب بندی محکمی دارد. خطوط وسط خیابان چشم را به مرکز تصویر هدایت می کنند. پرسپکتیو (ماهیت) خیابان حس حرکت زمان را برپا می کند. عکس قدیمی دقیقاً نزدیک مرکز کادر، قرار گرفته و تبدیل به

خلق شیوه‌ای نودر خوش نویسی

نگاهی به زندگی و کارنامه هنری حمید عجمی

در تاریخ هنر ایران، نام برخی هنرمندان با نقطه های عطف و تحولات بنیادین گره خورده است؛ کسانی که از مرزهای تقلید گذر کرده و با خلق شیوه ای نو، در تازہ ای به روی هنر این سرزمین گشوده اند. حمید عجمی در ۲۱ شهریور ۱۳۴۱ در تهران متولد شد. او از سال ۱۳۵۶ و در پانزده سالگی به طور جدی وارد عرصه خوش نویسی شد. مسیر آموزش او با بهره گیری از محضر نام آوران این هنر طی شد. او خط نستعلیق را به مدت دوازده سال نزد استاد غلامحسین امیرخانی (چهره ماندگار خوش نویسی ایران) و چهار سال در محضر استاد کبیرخو شروش (نقاش و خوش نویس ایرانی) آموخت و در نهایت موفق به دریافت نشان درجه استادی از انجمن خوش نویسان ایران و درجه یک هنری (معادل دکتری) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. فعالیت های هنری او تنها به خوش نویسی کلاسیک محدود نمانده است، بلکه در حوزه های نقاشی خط، گرافیک، طراحی پوستر و هنرهای تجسمی نیز کارنامه ای برپا دارد.

بی شک بزرگ ترین اتفاق در کارنامه هنری حمید عجمی، ابداع خط معلی در سال ۱۳۷۸ است؛ خطی که در همان سال به تأیید رسمی فرهنگستان هنر رسید و در سازمان جهانی یونسکو نیز ثبت شد. جالب ترین نکته در پیدایش این شیوه، نقطه آغاز آن است. چنان که خود هنرمند عنوان کرده است، خط معلی در حقیقت با نگارش نام مبارک حضرت «علی^(ع)» متولد شد. اولین ترکیبی که با این شیوه قلم خورد و اسکت هندسی و قامتی نو به خوش نویسی ایرانی بخشید، کلمه مبارک «علی» بود. وجه تسمیه این خط به «معلی» از همین ریشه و پیوند قلبی با مولای متقیان سرچشمه می گیرد. این نخستین اثر با قامت کشیده، گردش های تند قلم از قوت به ضعف و هیبتی باصلابت، بعدها به نماد و شناسنامه خط معلی تبدیل شد و راه را برای توسعه الفبا و ترکیبات این خط باز کرد. خط معلی به دلیل همین استخوان بندی محکم، الف های بلند و استوار و آزادی عمل بالا در ترکیب بندی، ظرفیت بصری فوق العاده ای در کتیبه نگاری های معاصر، پوسترهای دینی و نقاشی خط پیدا کرد. استاد عجمی در کنار خلق آثار تجسمی، در عرصه پژوهش و آموزش نیز قلم زده است که از مهم ترین آن ها می توان به کتاب های «حدیث آرزومندی»، «بام بهشت»، «پژوهش شیوه کلهر»، رساله «تجلی انس» و رساله «آداب المشق» اشاره کرد. او همچنین در کنار هنر خوش نویسی، آثار مفهومی متعددی طراحی کرده که مورد توجه مخاطبان این حوزه قرار گرفته است. آثار و جلوه های خط معلی تاکنون در بیش از ۲۲ نمایشگاه انفرادی به نمایش گذاشته شده است. عجمی در رویداد ها و نمایشگاه های هنری متعددی در کشورهایی چون فرانسه، آلمان، انگلستان، لبنان و کشورهای حوزه خلیج فارس حضور یافته و با برپایی نمایشگاه و کارگاه های تخصصی، این خط اصیل و نوآوارانه ایرانی را به مخاطبان جهانی معرفی کرده است.

و به امروز (زمان حال) یا فردا ها و آینده ببرد؟! و آیا در این عبور و گذر، آسیب و فرونشست و اندوه و فراقی نیست؟ این عکس برای ما سؤالاتی ایجاد می کند و قرار نیست به این سؤال ها پاسخی بدهد. عکس قدیمی در وضوح کامل است و پس زمینه، که نمایی از شهر امروزی است، کمی محو شده است. این موضوع به نگاه احساسی و نوستالژیک عکاس یا راوی، عمق و تأکید بیشتری می بخشد. او در این عکس، به دنبال گذشته می گردد و اکنون شهر، نتوانسته است حواس او را به خود معطوف کند. این عکس درباره ساختمان ها و خیابانی تازه احداث شده در مشهد نیست. درباره یادآوری و فراموشی است. شهر تغییر کرده است. اما حافظه تغییر نکرده و چیزی از یاد نرفته است. در هنر معاصر، یکی از مفاهیم مهم این سؤال را مطرح می کند که، آیا مکان بدون خاطره هنوز همان مکان است؟ این عکس دقیقاً همین سؤال را مطرح می کند. کودکانی که در عکس قدیمی هستند احتمالاً دیگر کودک نیستند و آدم هایی بزرگ شده اند. شاید عکاس، خودش یکی از همین کودکان باشد. آن خانه قدیمی و حیاطش تخریب شده است، اما مکان هنوز وجود دارد. می توان گفت موضوع این عکس صرفاً «نوستالژی» نیست، بلکه عکس «محمد باقری نژاد» به موضوع مهم «هویت مکان» پرداخته است.

۱) هانری کارتیه برسون (زاده – ۱۹۰۸ درگذشته ۲۰۰۴)، عکاس فرانسوی بوده که در ابداع و گسترش فتورژنالیسم و همچنین عکاسی لحظه ای و خیابانی نقش اساسی داشت.

۲) بازعکاسی، یا عکاسی دوباره (به انگلیسی: Rephotography) و نیز عکاسی تکراری (repeat photography)، عمل عکاسی از یک مکان در دوبار، با فاصله زمانی بین دو تصویر، یک نمای زمانی، همان زمان و اکنون، از یک منطقه خاص است.

هر عکس، تنها یک تصویر نیست؛ سندی از زندگی انسان ها، حافظه بصری و هویت شهری است. این جستار، تلاشی است برای خواندن لایه های پنهان عکس، جایی که نور، معماری، آدم ها و خاطره های شهرمان، روایتی فراتر از آنچه دیده می شود، می آفرینند.

اخبار هنری مشهور

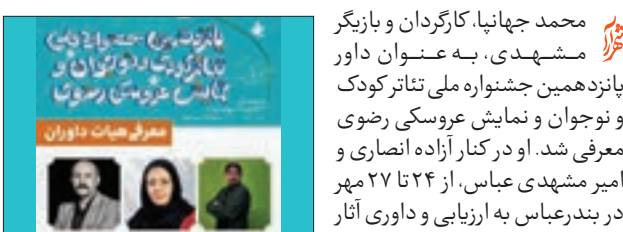
«عصر فرهنگ رضوی» برای تحلیل از مجید مجیدی برگزار می شود



آیین بزرگداشت بزرگان عرصه فرهنگ و هنر رضوی با عنوان «عصر فرهنگ رضوی»، چهارشنبه ۲۹ آبان ساعت ۱۸ در مرکز همایش های آستان قدس رضوی برگزار می شود. این رویداد با نام عصر مجید مجیدی و با هدف قدردانی و ارج نهادن به این سینما گر برجسته کشور، به بهانه

درخشش فیلم سینمایی «غذای نیمروز» در جشنواره بوسان ۲۰۲۶ و ابراز همدردی اش با خانواده دانش آموزان شهید میناب برپا خواهد شد.

هنرمند تئاتر مشهد داور جشنواره ملی رضوی شد



محمد جهانیپا، کارگردان و بازیگر مشهور، به عنوان داور پانزدهمین جشنواره ملی تئاتر کودک و نوجوان و نمایش عروسکی رضوی معرفی شد. او در کنار آزاده انصاری و امیر مشهدی عباس، از ۲۴ تا ۲۷ مهر در بندرعباس به ارزیابی و داوری آثار این رویداد می پردازد. او عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد است و آثاری مانند نمایش های کودک و نوجوان «موچره ای به نام موری»، «دیواکولا»، «آشتی کتان»، «افسانه ماردرش»، «روای اسبی به نام شیرنگ» و «هیولاکش» و «دختری که خواب را نوشید» را در کارنامه کارگردانی خود دارد.

کتاب «رقص سایه در مهتاب» منتشر شد



دومین کتاب مجموعه شعر محمد ملتجی، شاعر و نویسنده مشهور، با عنوان «رقص سایه در مهتاب» منتشر شد. این اثر، پس از مجموعه «سبزه ها در بهار می رقصند» دومین مجموعه غزل های عاشقانه و عارفانه اوست

ایستگاه هنر

عباسعلی صحافی مقدم از ارتباط معنوی خوش نویسی و شعر حافظ گفت

سر فی و اسرار «لسان الغیب»



ریحانه موسوی ا نشست «مهر مهر و بان» با موضوع **نگاهی خوش نویسانه به اشعار حافظ و با حضور عباسعلی صحافی مقدم، خوش نویس پیشکسوت و عضو انجمن خوش نویسان ایران، در مجتمع فرهنگی هنری امام رضا** برگزار شد. این رویداد فرصتی بود تا

از منظر زیبایی شناسی به جهان شعر این شاعر بزرگ فارسی زبان نزدیک شویم؛ نگاهی که در آن، دیدن زیبایی به چشم سر محدود نمی شود و به چشم جان و رهایی از غبار ذهن نیز نیاز دارد.

- زیبایی شناسی در رأس اندیشه حافظ

عباسعلی صحافی مقدم در این نشست با اشاره به جایگاه زیبایی شناسی در اندیشه حافظ گفت: زیبایی شناسی در رأس اندیشه و نگاه حافظ قرار دارد. وقتی به دیوان حافظ نگاه می کنیم، در تمام غزلیات او با واژه هایی مانند «می» و «معشوق» روبه رو می شویم که هرکدام معنایی فراتر از مفهوم ظاهری خود دارند. معشوق مظهر زیبایی است و می را می توان نماینده شادی و نشاط دانست.

این خوش نویس افزود: در نمادشناسی شعر حافظ، می و شراب در نقطه مقابل عقل قرار می گیرند، زیرا می توانند برای لحظاتی صدای عقل را خاموش کنند. باین حال، شراب عشق و خرد، انسان را تعالی می بخشد و او را به زندگی پیوند می دهد. حافظ در این زمینه می گوید: «زناده هیچت اگر نیست این نه بس که تو را، دمی ز و سوسه قفل بی خبر دارد؟»

صحافی مقدم با اشاره به پیوند میان زبان، قلم و بیان زیبایی در شعر حافظ اظهار کرد: زبان قلم برای نوشتن باید بریده شود؛ به این معنا که سر قلم قطع یا فاق زده شود تا بتواند بنویسد. حافظ در بیتی می گوید: «کلک زبان بریده حافظ در انجمن، با کس نگفت را تو تا ترک سر نکرد.» مقصود حافظ این است که قلم زمانی می تواند راز زیبایی را آشکار کند که سر آن بریده شود. در واقع، بیان زیبایی به ابزاری نیاز دارد که برای آشکار کردن آن، آماده پذیرش محدودیت و تغییر باشد. این هنرمند با اشاره به جایگاه معشوق در جهان شعری حافظ گفت: وقتی حافظ می گوید «دلجم جز مهر مه رویان طریقی بر نمی گیرد، ز هر در می دهم پندش ولیکن در نمی گیر»، به این معناست که جز زیبایی، چیز دیگری نمی بیند. همچنین در بیت «روزگار بست که سودای بتان دین من است، غم این کار نشاط دل غمگین من است»، نشان می دهد که اندیشه و دل او پیوسته در جست وجوی زیبایی است. وی افزود: از نگاه حافظ، زیبایی شناسی دارای مراتب است و همه انسان ها زیبایی را به یک شکل نمی بینند. نگاه یک انسان هنرمند با نگاه یک انسان معمولی تفاوت دارد؛ زیرا درک زیبایی به چشم جان بین نیازمند است. چشم جان بین، نگاهی عمیق تر به جهان دارد و می تواند لایه هایی از زیبایی را ببیند که در نگاه سطحی پنهان می مانند.

- رهایی از غبار ذهن برای دیدن زیبایی

صحافی مقدم در ادامه با اشاره به تعدد صداها و خواسته های درونی انسان بیان کرد: حافظ به این نکته آگاه است که در درون هر انسان، هزاران «من» وجود دارد که هرکدام ساز خود را می زنند. باین حال، او مراقب این صداها ی درونی است و تلاش می کند توجه خود را به معشوق و جلوه های هستی معطوف کند. وی با اشاره به یکی از ابیات مولانا در همین باره گفت: مولانا می گوید «یار چشم توست ای مرد شکار، از خس و خاشاک او را پاک دار». اگر چشم نباشد، ارتباط ما با جهان هستی و امکان دیدن زیبایی هاقط می شود. منظور از پاک کردن چشم، تنها چشم ظاهری نیست؛ بلکه باید نگاه خود را از آلودگی هایی مانند صورت های ذهنی، خاطرات و هیجاناتی که برادر اک ماسایه می اندازند، پاک کنیم. خوش نویس مشهدی در بخش دیگری از سخنانش به مفهوم «بت» در شعر حافظ اشاره کرد و گفت: حافظ در بیت «در دل دهم ره پس از این مهر بتان را، مهرلب او بر در این خانه نهادیم»، از انتخاب معشوق واقعی سخن می گوید. بتان در اینجا می توانند نماد قدرت، ثروت، شهرت و دیگر جلوه هایی باشند که انسان را به سوی خود می کشانند، اما حافظ در پی معشوقی است که فراتر از این دل بستگی های ظاهری قرار دارد.

صحافی مقدم همچنین با اشاره به دو نماد «زاهد» و «زند» در دیوان حافظ بیان کرد: در سراسر دیوان حافظ، تقابل و جدال زهد و زندی دیده می شود، اما حافظ دشمنی خصمی با کسی ندارد. دشمن اصلی او دروغ و ریا است و این ویژگی ها را در چهره ریاکارانه و زاهد مظاهرا به تصویر می کشد.

وی در پایان با تأکید بر ضرورت قدردانی از لحظه های خوش زندگی گفت: ما باید نسبت به اوقات خوش، شادی ها و توفیقاتی که نصیبمان می شود، شکرگزار باشیم؛ زیرا جهان و زندگی هیچ تعهدی به ما ن داده اند و نباید لحظه های خوب را امری همیشگی و تضمین شده بدانیم.

آثاری از استاد حمید عجمی



طینن همتی | در دنیای هنر، هنرمند گاه به جایگاهی می رسد که تنها ادامه دهنده راه پیشینیان نیست، بلکه خود به آفریننده و مبدع سبک و هویتی تازه تبدیل می شود. خط در ایران توانسته در طول تاریخ برپا رود، مسیر روشن شکوفایی را طی کند. حمید عجمی، هنرمند و مبدع خط معلی، در گفت وگویی با روزنامه «شهرآرا» درباره ریشه های معنوی ابداع در خوش نویسی، تفاوت هنر سنتی با غرب و جایگاه خط در فرهنگ اسلامی سخن گفته است که در ادامه می خوانید.

- ابداع در خوش نویسی امدادش را از آسمان می گیرد

عجمی درباره ریشه های تاریخی هنر و نگاه متفاوت به انسان می گوید: اگر به سیر تاریخی هنر نگاه کنیم، درمی یابیم که هنر پس از دوران رنسانس و رسیدن به دوره مدرن، بیش از هر چیز بر حس انسان تکیه کرد. مکاتب گوناگون انسان گرایانه محوریت را به حس انسانی دادند. اما در هنرهای سنتی کشورهای مختلف و به ویژه ایران، قضیه تفاوت دارد. در هنرهای سنتی، تکیه اصلی بر احساس هنرمند است، نه حس ظاهری. هنرمند در کنار تمرین مستمر، باید به باطن و احساس خود رسیدگی کند. اینجا درچه ای تازه به سوی هنرهای سنتی گشوده می شود؛ جایی که اکتساب معنا از عالم فیض به شهود اتفاق می افتد. در هنرهای سنتی ما محوریت با شهود است.

مبدع خط معلی درباره خلق یک اثر با خط جدید معتقد است: ابداع یک خط جدید در عرصه خوش نویسی، اساساً نه به حس، نه به احساس ظاهری و نه حتی به اراده شخصی هنرمند ربط دارد. هنرمند باید با خلوص، استمرار و طلب، وجود خود را تقویت کند و از معرفت جاری در طریقت تبعیت نماید. او باید خود را تزکیه کند تا در یک سلوک باطنی خاص قرار گیرد.

او ادامه می دهد: وقتی این سلوک به نتیجه می رسد و هنرمند به مدارج لازم می رسد، ما معتقدیم که خط جدید به عنوان یک



همانری کارتیه برسون^۱ (Henri Cartier-Bresson)، عکاس مطرح فرانسوی می گوید: «ما عکاسان با چیزهایی سروکار داریم که پیوسته در حال ناپدید شدن هستند؛ و وقتی ناپدید شدند، هیچ وسیله ای در جهان نمی تواند آن ها را بازگرداند. ما نمی توانیم خاطره را ظاهر و چاپ کنیم».



عکاس و نویسنده صمد سلطان آبادیان

گذشته، بلکه برای روبه رو شدن با آن ساخته می شود. عکس به ثبت رسیده توسط «محمد باقری نژاد» در یکی از خیابان های مشهد، فقط مقایسه ای میان یک حیاط خانه دیروز و یک خیابان تازه احداث شده امروز نیست؛ تلاقی دو زمان، دو حافظه و دو روایت از یک مکان است. دستی که عکس قدیمی را در برابر شهر امروز نگه داشته، گذشته را زنده نمی کند، بلکه نشان می دهد که حافظه، برخلاف شهر، هرگز به طور کامل باسازی و باویران نمی شود. این عکس گفت وگویی است میان گذشته و اکنون، میان آنچه از دست رفته و آنچه هنوز در حافظه باقی مانده است.

از نظر سبک، این عکس در مرز میان عکاسی مستند، مفهومی (Conceptual) و (Photography) و بازعکاسی یا عکاسی دوباره^۲ (Rephotography) قرار می گیرد، هرچند یک بازعکاسی کلاسیک نیست، زیرا به جای تکرار دقیق کادر قدیمی، از عکسی قدیمی به عنوان عنصری روایی در دل یک تصویر جدید استفاده شده است.

مارک کلت (Mark Klett) پدر سبک بازعکاسی (Rephotography) در پروژه مشهور The Rephotographic Survey Project به مکان ثبت عکس های قرن نوزدهم آمریکا بازگشت و دقیقاً از همان نقطه، دوباره عکس هایی تازه ثبت کرد. هدف او تنها ثبت تغییرات نبود، بلکه می خواست نشان دهد که زمان چگونه چشم انداز، فرهنگ و حتی شیوه دیدن ما را تغییر می دهد.